

تصحیح بیت‌هایی از دیوان انوری

معصومه سام خانیانی، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زنجان
m.samkhanian@gmail.com

چکیده

از دیوان انوری، شاعر بزرگ قرن ششم هجری، سه چاپ معتبر منتشر شده است: چاپ سنگی تبریز و چاپ‌های نفیسی و مدرس رضوی که دو چاپ اخیر همواره مورد استفاده پژوهشگران بوده‌اند. با وجود زحمات ارزشمند این استادان، ابیاتی در دیوان دیده می‌شود که با شکل کنونی معنای قابل قبولی از آنها دریافت نمی‌شود. مقاله حاضر به بررسی ۱۳ بیت از این ابیات در هشت قصیده دیوان می‌پردازد و می‌کوشد با استفاده از سنت شعری زمانه شاعر، نسخه‌بدل‌ها و نیز نسخه‌هایی که مصححان از آنها بهره نبرده‌اند، شکل درست این ابیات را ارائه و ابهام را از آنها برطرف سازد.

واژگان کلیدی: انوری، قصیده، نسخه، تصحیح بیت.

۱. مقدمه

دیوان انوری با توجه به نسخه‌های متعدد و متنوعی که داشته، بارها در ایران و هند و روسیه به چاپ رسیده است. در ایران جدای از چاپ سنگی دیوان در تبریز به سال ۱۲۶۶ق، ابتدا سعید نفیسی در سال ۱۳۳۷ش و به فاصله کمی پس از وی مدرس رضوی در همان سال، این دیوان را تصحیح و چاپ کرده‌اند. سعید نفیسی تصحیحش را بر پایه سیزده نسخه خطی بنا نهاده است. متأسفانه او باور داشت که در کار تصحیح نیازی به ارائه نسخه‌بدل نیست. وی روش مصححان خاورشناس را که مبتنی بر نسخه‌بدل دادن است، رد می‌کند و آن را کاری عبث و زاید دانسته و تصحیح ذوقی را تأیید می‌کند (ر.ک: انوری، ۱۳۳۷: پنجاه و چهار).

مدرس رضوی تمامی چاپ‌های موجود در ایران و هند را بسیار مغشوش و پر از اغلاط فاحش می‌داند که به هیچ وجه قابل استفاده و مورد اعتماد نیست و کمی پس از نفیسی تصحیح جدید خود را ارائه می‌کند (ر.ک: انوری، ۱۳۷۲: ۱۲۰). وی برای این کار از پانزده نسخه به طور مستقیم و شش نسخه به طور غیرمستقیم استفاده کرده است. وی قدیم‌ترین نسخه، یعنی نسخه عکسی کتابخانه فاتح استانبول را اساس قرار داده و هر جا که ضبط نسخه‌های دیگر را درست‌تر دانسته، در متن آورده و ضبط نسخه اساس را در پاورقی گذاشته (همان، ۱۵۰) و تصحیح انتقادی به دست داده است.

اشاره به این نکته خالی از فایده نیست که دو مصحح تنها از دو چاپ تبریز و چاپ نول کشوکانپور (چاپ شده در هند به سال ۱۸۹۷) به طور مشترک استفاده کرده‌اند و نسخ مورد استفاده در کارشان کاملاً با یکدیگر متفاوت است. این نکته نشان می‌دهد این دو مصحح می‌توانستند از نسخ دیگری که در دسترس بود بهره ببرند که چنین نشده است.

با توجه به تصحیح ذوقی نفیسی، راه یافتن اشتباهات در برخی از اشعار بدیهی است. از دگر سوی مدرس رضوی با وجود روش درست و دقت بسیار، دچار اشتباهاتی شده است. به نیکی می‌دانیم که انوری از شاعران بزرگ زبان فارسی است و لازم است متن اشعارش هرچه درست‌تر و منقح‌تر باشد. وجود ایرادهایی گاه ساده و ابتدایی در

همین ۱۳ بیت، سبب تنزل کلام شده و اشتباهی را در طول قرون به چرخش و حیات درآورده است که شایسته زبان فارسی و شاعری بدین بزرگی نیست.

در این پژوهش، قصیده شماره سیزده تا بیست را بر اساس چاپ مدرس رضوی، به همراه مطابقت با همان قصاید از چاپ نفیسی بررسی می‌کنیم و نشان می‌دهیم که در ۱۶ بیت یافته شده، اشکالاتی اعم از بدخوانی یا انتخاب اشتباه برخی از واژگان وجود دارد. سپس با بررسی بیست نسخه از نسخ کتابخانه مجلس و مطابقت با ابیات مورد نظر کارمان را مستندتر و استوارتر می‌نماییم. در این میان مواردی یافته‌ایم که با بررسی نسخ جدید، مشکل و پیچیدگی بیت حل نمی‌گردد. در چنین مواردی یا با توجه به اشعار دیگر شاعر و یا اشعار دیگر شاعران، پیشنهادهایی برای رفع ابهام از بیت ارائه می‌کنیم. در سه مورد هم نسخه‌بدلی نیافتیم و نیاز به بررسی‌های بیشتر است.^۱

۲. پیشینه تحقیق

انوری پیامبر قصیده‌سرایی ایران است و اطلاق چنین لقبی بدو نشان از جایگاه والای وی و همچنین ارزشمندی و اهمیت قصایدش در پهنه ادبیات فارسی دارد. این جایگاه خاص سبب شده است تا انوری بر بسیاری از شاعران پس از خود تاثیرگذار باشد و دیوانش تا کنون یکی از متون مهم ادبی و از پایه‌های گرانقدر شعر فارسی محسوب شود. با وجود اشکالات فراوانی که در چاپ‌های این دیوان مشهود است، تنها در دو مقاله به این معایب اشاره شده است. محمدحسین کرمی، محمدرضا امینی و حمیدرضا کوثری در مقاله مشترکی با عنوان «قصاید انوری و لزوم تصحیح تازه از آنها» که در شماره چهارم مجله «شعر پژوهی» در سال ۱۳۹۲ چاپ شده است به بررسی و تصحیح برخی از ابیات از سرتاسر قصاید دیوان مصحح مدرس رضوی پرداخته‌اند. نویسندگان با دسترسی به ده نسخه مهم که مدرس رضوی در کار خود از آنها بهره برده است، تصحیح انتقادی و استدلالی جدیدی از هفده بیت ارائه کرده و بر این اساس بر ضرورت تصحیح مجدد دیوان تأکید کرده‌اند. مقاله دیگر «تصحیح بیت‌هایی از دیوان انوری ایبوردی بر اساس دست نویس مورخ (۶۸۰ ه.ق)» به قلم مجید منصوری است که در سال ۱۳۹۵ در متن شناسی ادب فارسی چاپ شده است.

در پژوهش حاضر ۱۶ بیت را که دارای ابهام هستند اما پیش از این بدانها توجهی نشده و در این دو مقاله هم اشاره‌ای به آنها نشده است، بررسی کرده‌ایم. اشکالات یافته شده در این ۱۳ بیت یا ناشی از انتخاب نامناسب ضبط‌ها و یا به سبب استفاده نشدن از تعداد بیشتری از نسخ بوده است. در پژوهش حاضر انواع این اشکالات را که از هشت قصیده یافته‌ایم طبقه‌بندی کرده، برخی از آنها را بر اساس نسخه‌بدلی‌هایی تصحیح می‌کنیم که مصححین در بدل گذاشته‌اند. برای برخی دیگر که در این دو چاپ نسخه‌بدلی نداشتند با توجه به فرهنگ شعری شاعر و نمونه‌هایی از اشعار شاعران دیگر، پیشنهادهایی می‌دهیم که با بررسی بیست نسخه معتبر از کتابخانه مجلس شورای اسلامی، بسیاری از این پیشنهادهای تأیید می‌شوند. در میان این نسخ، نسخه‌ای کهن به تاریخ ۶۸۰ هجری موجود است که همچون ۱۹ نسخه دیگر، دو مصحح پیشین از آنها استفاده نکرده‌اند.

۳. معرفی نسخ مورد استفاده

در تصحیح ابیات، چهارده نسخه از بیست نسخه بررسی شده کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به طور مستقیم استفاده شده است. از آنجایی که نسخه‌بدلی‌های مورد استفاده مدرس رضوی را با علائم اختصاری یاد کرده‌ایم برای پرهیز از اشتباه، این چهارده نسخه را با شماره‌بازیابی مخصوصشان به کار برده‌ایم:

۱. نسخه شماره ۱۳۵۰۳، به خط نسخ، بی‌ک، تا: ظاهرا ۶۸۰ ق؛ مجدول، از کهن‌ترین نسخ برجای مانده از دیوان انوری است.

۲. نسخه ۹۸ سرود، به خط نستعلیق، بی‌ک، تا: قرن ۱۰-۱۱، کاغذ: هندی شگری.

۳. نسخه ۱۳۱۹۹، به خط نستعلیق، کا: علیجان بن حیدر علی هروی، تا: ۱۵ ربیع الاول ۱۰۰۸ق؛ تملک: فرهاد میرزا به ولیعهد عباس میرزا ۲۹ صفر ۱۲۸۲.
۴. نسخه ۸۶۶۴، به خط نستعلیق، کا: محمد کاظم بن عبدالمطلب همدانی، تا: ۵ ذیقعد ۱۰۵۱.
۵. نسخه ۲۳۸۰، شامل: قسمتی از قصاید و مقطعات و غزلیات رباعیات و هزلیات ۵۵۰۰ بیت؛ خط: نستعلیق ترک، بی کا، تا: قرن ۱۲، افتادگی آغاز و وسط و انجام.
۶. نسخه ۲۳۸۱، شامل قصاید به ترتیب الفبا در متن و مقطعات، مطایبات و هزلیات در حاشیه، ۹۰۰۰ بیت؛ خط: شکسته نستعلیق خفی خوش، کا: محمد هاشم همدانی، تا: ۱۲۰۶ق.
۷. نسخه ۲۳۸۲، شامل قصاید، قطعات، ساقی‌نامه، ۸۷۰۰ بیت، خط: شکسته نستعلیق خوش، کا: زین العابدین همدانی، تا: ۱۲۳۰ق.
۸. نسخه ۲۳۸۳، شامل قصاید، مقطعات و رباعیات، ۱۰۵۰۰ بیت؛ خط: نستعلیق، کا: علی حسین، تا: ۱۲۴۶ق، برای میرزا محمد علی مستوفی.
۹. نسخه ۲۰۰۶۲، به خط نستعلیق، کتابت به تاریخ ۱۲۴۸، به دستور محمد زمان خان زنگنه، بی کا.
۱۰. نسخه ۱۳۳۳۹، به خط نستعلیق، بی کا، تا: قرن ۱۳.
۱۱. نسخه ۵ معیری، شامل قصاید، قطعات که بر حسب تهجی منظم شده است و رباعیات حدود ۶۲۰۰ بیت؛ خط: نستعلیق خوش، بی کا، تا: قرن ۱۳.
۱۲. نسخه ۲۳۸۴، شامل قصاید، مقطعات، غزلیات و رباعیات، ۸۰۰۰ بیت؛ خط: شکسته نستعلیق خفی خوش، کا: سرخوش، تا: ۲۲ ذیحجه قرن ۱۳، تملک: ملک الشعراء بهار.
۱۳. نسخه ۲۳۸۵، شامل قصاید و قطعات بدون ترتیب، ۶۲۰۰ بیت؛ خط: نستعلیق، بی کا، تا: قرن ۱۳.
۱۴. نسخه ۵۸۴۵، به خط نسخ محمد عفی عبرت نائینی، مورخ ۱۳۴۲ اطلاعات شش نسخه کاوش شده دیگر به شرح زیر است:
۱. نسخه ۹۱۰۵ که شامل: قصاید، مقطعات، غزلیات، و رباعیات است. به خط نستعلیق، کا: سوزی بن علی ساوجی، تا: ۴ ربیع الاول ۹۸۸ق.
۲. نسخه ۱۲۶۰ که شامل قصاید است. به خط نستعلیق، بی کا، تا: قرن ۷؛ افتادگی: آغاز و انجام؛ کاغذ: سفید.
۳. نسخه ۹۶ سرود، به خط نستعلیق و شکسته، بی کا، تا: قرن ۱۳، افتادگی: انجام.
۴. نسخه ۱۳۵۸۲، خط: تعلیق، کا: احمد بن علی بن احمد شیرازی، تا: جمعه ۲۰ صفر ۷۸۵ق.
۵. نسخه ۲۳۸۷، شامل قسمتی از قصاید و غزلیات و قطعات بدون ترتیب، ۵۵۰۰ بیت؛ خط: نستعلیق، بی کا، تا: قرن ۱۳؛ افتادگی: آغاز و انجام.
۶. نسخه ۲۳۸۶، شامل: قصاید، هزلیات، غزلیات و رباعیات، ۸۴۵۰ بیت؛ خط: نستعلیق جلی، بی کا، تا: ۱۲۶۶ق، برای قادر پاشا.

۴. بررسی نمونه‌هایی از عیوب موجود در قصاید و تصحیح آنها

با مطالعه دقیق اشعار، گاه ابهاماتی در برخی از ابیات مشاهده می‌شود که ناشی از قرار گرفتن نادرست واژه‌ای در بیت مورد نظر است که با فضای لفظی و معنوی شعر یعنی با محور افقی و عمودی آن همخوانی ندارد. با وجود اینکه مدرس رضوی کاری علمی‌تر و دقیق‌تر از نفیسی انجام داده است اما ایرادهای بسیاری وجود دارد که از کم دقتی و رجوع نکردن به نسخ دیگر ناشی می‌شود. همه این ایرادها را ابتدا از چاپ مدرس رضوی یافته‌ایم، چرا که خواننده با توجه به نسخه‌بدل‌های موجود در متن می‌تواند نگاه علمی و دقیقی داشته باشد و ابهام‌ها را راحت‌تر رفع نماید. پس از دریافتن اشکال و ابهام در بیتی به چاپ نفیسی نیز مراجعه کرده‌ایم و با تطبیق دو متن مشخص شد که گاهی این بی‌دقتی از هر دو مصحح بوده و گاهی هم نفیسی انتخاب درستی داشته است. در نهایت با شناسایی ابیاتی

که تعقید یا مشکلی دارند به کاوش این ابیات در بیست نسخه از نسخ موجود از دیوان انوری در کتابخانه مجلس پرداخته‌ایم. در میان این بیست نسخه گاه به ضبط‌های درست‌تری برخورد کرده‌ایم که هم ایرادهای وارده ما را تأیید نموده و هم به رفع ابهامات و مشکلات کمک می‌کنند و در نهایت مهر تأییدی بر برخی پیشنهادهای ما هستند. مشکلات موجود در این قصیده‌ها را می‌توان در دو گروه جای داد:

الف. انتخاب نادرست یا نامناسب واژه‌ها و برتری نسخه‌بدل‌ها بر ضبط نسخه اساس.

ب. وجود ابهام در بیت‌های فاقد نسخه‌بدل و ارائه پیشنهادهایی برای رفع این ابهام‌ها

۱-۵. انتخاب نادرست یا نامناسب واژه‌ها و برتری نسخه‌بدل‌ها بر ضبط نسخه اساس

در تصحیح، نخست به مواردی پرداخته‌ایم که نیازمند دقت در ضبط متن و نسخه‌بدل مربوط به آن است. با اینکه مدرس رضوی تصحیح خود را انتقادی می‌داند و اشاره می‌کند که هر جا نیاز است نسخه‌بدل را بر نسخه اساس ترجیح داده است (مدرس رضوی، ۱۳۷۲: ۱۵۰)، اما در برخی موارد دیده می‌شود که نسخه‌بدلی بر ضبط متن برتری دارد. گاهی هم مدرس رضوی و هم نفیسی انتخاب‌هایی داشته‌اند که نسبت به نسخه‌بدل آن ضعیف‌تر بوده و معنای رسای بیت را دچار مشکل کرده است. این اشکال بیشتر ناشی از عدم دقت و همچنین تمرکز بیش از حد بر نسخه اساس است. ما با ارائه دلایلی، برتری نسخه‌بدل‌ها را بر آنچه در متن آمده توضیح خواهیم داد. در پایان هم گاه ضبط‌های متفاوت و اصح از بیست نسخه بررسی شده را که راهگشای پیچیدگی بیت است ارائه و نشان می‌دهیم که بررسی نسخ موجود از دیوان انوری تا چه میزان در حل مشکلات مؤثر بوده یا متن را کامل‌تر و بهتر از چاپ‌های پیشین خواهد کرد.

وز بخت شامل تو بود تخت را نصاب

- از عدل کامل تو بود ملک را نصیب

گفت تو کرد قاعده نیستی خراب

شد نیستی چو صورت عنقا نهان از آنک

(انوری، ۱۳۷۲، ق ۱۳: ۳۰)

در مصرع آخر این دو بیت، به نظر می‌رسد منطقی و یا زیبا نباشد که با «گفت» ممدوح، قاعده نیستی خراب شود. این شبهه با توجه به ضبط نسخ دیگر می‌تواند برطرف شود. مدرس رضوی «گفت» را در مصرع دوم بر «جود» از نسخه «ج» ترجیح داده است. با توجه به اینکه در بیت قبل از عدل و بخت ممدوح سخن می‌گوید، سخن گفتن از جود وی نیز درست‌تر خواهد بود همچنین معنی بیت با جود کامل‌تر به نظر می‌رسد: جود تو قاعده نیستی را خراب کرد و به واسطه جود و بخشش تو هستی حیات یافت. ضمن اینکه «گفت» شبهه هم‌پهلویی زدن با کردگار را هم به ذهن متبادر می‌کند که با لفظ «کن» هستی خلق شد. ولی جود به اغراق کرم پادشاه را اثبات می‌کند. نفیسی نیز «جود» را پسندیده است (انوری، نفیسی، ۱۳۳۷: ۲۰)؛ هر چند نمی‌دانیم که آیا این انتخاب او از روی ذوق و خرد خودش بوده یا بر اساس ضبط نسخه‌ای! با بررسی نسخ دیگری که مصحح یا بدانها دسترسی نداشته و یا به هر دلیلی از آنها بهره نبرده است، به ضبط بهتری دست یافتیم. در شش نسخه از نسخ بررسی شده مجلس به شماره‌های بازیابی ۱۳۱۹۹، ۱۳۳۳۹، ۸۶۶۴، ۲۳۸۰، ۲۳۸۱ و ۲۳۸۲، به جای گفت یا جود «کف» نوشته شده است که قطعاً مناسب‌تر است؛ چراکه هم «کف» مجازاً به معنی بخشش است و هم شکل آن به «گفت» بسیار نزدیک‌تر است. علاوه بر این، آنچه این ضبط را تأیید می‌کند، بیت بعدی این قصیده است که در ادامه سخن از کف بخشنده ممدوح می‌گوید:

تا روز حشر ژاله زرین دهد سحاب

گر یک بخار بحر کفت بر هوا رود

(انوری، ۱۳۷۲، ق ۱۳: ۳۰)

گیرند سروران زمان مر ترا رکاب

- بوسند اختران فلک مر ترا عنان عنان

(انوری، ۱۳۷۲، ق ۱۳: ۳۰)

دو پرسش در این بیت مطرح می‌شود: یکی آنکه چرا «سروران زمان» در مصرع دوم بر «سروران زمین» نسخه‌بدل برتری داده شده؟ دیگر آنکه اساساً آیا «عنان بوسیدن» و «رکاب گرفتن» در ادبیات فارسی متداول است یا برعکس؟! در چاپ مدرس رضوی، برای واژه «زمان» دو نسخه‌بدل ذکر شده است: «ج: جهان، م: زمین». نفیسی «جهان» را انتخاب کرده است (انوری، نفیسی، ۱۳۳۷: ۲۰). پیشنهاد ما انتخاب بدل «زمین» است. اگر تقابل فلک و زمین را در نظر بگیریم و به این نکته توجه داشته باشیم که رکاب به زمین نزدیک است، همان‌طور که عنان در بالاست و با فلک تناسب دارد، با این جایگزینی، هماهنگی تصویری و معنایی زیباتری ایجاد می‌شود: اخترانی که در فلک جای دارند و سرورانی که در زمین هستند بعید است انوری پیغمبر در قصیده‌سرایی^۱ به این تناسبات بی‌تفاوت باشد. ضمناً سروران زمین معنای جامعی دارد و زمان را هم در بر می‌گیرد. انتخاب نفیسی بهتر از انتخاب رضوی به نظر می‌رسد؛ یعنی سروران جهان رکاب تو را گرفته‌اند که البته معنایی فراگیر دارد، اما دیگر آن تناسبات و تقابلات بلاغی را ایجاد نمی‌کند.

اما نکته مهمتر «عنان بوسیدن» و «رکاب گرفتن» است که اشکالی اساسی بر بیت وارد می‌کند. آنچه از شواهد موجود در متون کهن برمی‌آید این است که «عنان گرفتن» و «رکاب بوسیدن» از رسوم خدمت بوده است. عنان به معنی: لگام، دهنه اسب (لغت‌نامه) است. وقتی بزرگی می‌خواست بر اسب بنشیند یکی از خدمتکاران دهنه اسب را می‌گرفت و اسب را نگاه می‌داشت تا مخدوم راحت‌تر و امن‌تر بتواند بر اسب سوار شود. شاعر در اینجا اختران را خدمتکاران ممدوح می‌شمارد که اسب او را نگاه می‌دارند تا او بر آن سوار شود و البته از آنجا که در باور گذشتگان، اختران و افلاک سرنوشت افراد را رقم می‌زدند در حقیقت بخت و اقبال است که عنان وی را گرفته و ممدوح را بختیار کرده است! چنانکه در جای دیگر نیز شاعر عنان‌داری ممدوح را به بخت نسبت می‌دهد:

رکاب تو را چرخ توسن بسوده
عنان تو را بخت والا گرفته

(انوری، ۱۳۷۲، ق ۱۷۴: ۴۳۲)

و مسعود سعد گوید:

بوسد چو بر نشینی دولت رکاب تو
گیرد چو حمله آری نصرت عنان تو

(مسعود سعد، ۱۳۷۴: ۵۰۸)

رکاب نیز عبارت بوده از: حلقه فلزی که به زین اسب آویزان می‌کنند و هنگام سوار شدن پا در آن می‌گذارند (لغت‌نامه). بوسیدن رکاب ممدوح - یعنی جایی که او پایش را بر آن می‌گذارد - نیز یکی دیگر از رسوم تعظیم بوده است.

اشاره به این رسم را در جاهای دیگر دیوان نیز می‌بینیم:

صاعد و هابط گردونش ببوسند رکاب
اشهب و ادهم گیتیش بخایند لگام

(انوری، ۱۳۷۲، ق ۱۲۶: ۳۲۳)

فلک با اختران گفتا که او کیست
رکاب تو ببوسیدند و گفتند

که هست از خیل او چشم ظفر پر
الغ جاندار بک اینانج سنقر

(انوری، ۱۳۷۲، مقطعات: ۶۵۲)

در دیگر متون کهن نیز شواهد این رسم فراوان است؛ از جمله:

^۱ اشاره است به این شعر از جامی:

در شعر سه تن پیمیرانند/ هرچند که لابی بعدی

اوصاف و قصیده و غزل را/ فردوسی و انوری و سعدی (انوری، ۱۳۷۲: ۹۹)

شاه سد آب کرد اینک رکاب شاه بوس تا برای سد آتش بندها سازد تو را

(خاقانی، ۱۳۸۸، ق ۷، ص ۲۲)

ظفر رکاب تو را بوسه داده در هیجا طرب سریر تو را سجده کرده در مجلس

(معزی، ۱۳۱۸: ۳۶)

در بیت زیر از معزی، «رکاب بوسیدن» و «عنان گرفتن» را با هم می‌بینیم:

عرش بوسه داد رکابش فرشته وار وز چرخ بخت مرکب او را عنان گرفت

(معزی، ۱۳۱۸: ۸۶)

و اشراف را ستانه والای تو مآب - افلاک را زمانه اقبال تو نصیب نصیب

(انوری، ۱۳۷۲، ق ۱۳: ۳۰)

براستی منظور از «زمانه اقبال» در بیت مذکور چیست؟ در چاپ مدرس رضوی، نسخه «م» مصرع اول بدین گونه نوشته شده است: افلاک را «ز پایه اقبال تو مراد». به نظر می‌رسد گزینش «پایه» از این نسخه بهتر باشد از گزینش نسخه اساس که «زمانه» است؛ چراکه زمانه اقبال معنای جامع و درستی ندارد و مشخص نمی‌شود منظور از زمانه اقبال چیست؟ همچنین در نحو کلام ضرورت حرف اضافه «ز» احساس می‌شود: افلاک را از پایه اقبال تو نصیب است؛ در خوانش اساس: افلاک را زمانه اقبال تو نصیب است.

نفیس ضبط نسخه‌ای دیگر را پسندیده است: افلاک را زمانه اقبال تو ندیم (انوری، نفیسی، ۱۳۳۷: ۳۰): زمانه اقبال تو ندیم افلاک است. باز هم زمانه اقبال ندیم افلاک بودن معنی بسامانی ندارد، هرچند بهتر از انتخاب مدرس رضوی است.

مصرع نخست بیت مذکور در نسخه ۲۳۸۱ ضبطی همچون تصحیح ما دارد. در نسخه ۱۳۳۳۹ افلاک را ز پایه اقبال تو شرف نوشته شده است که باز هم به نظر ما ضبط نسخه ۲۳۸۱ بهتر است. بدین ترتیب ضبط درست بیت چنین است:

افلاک را ز پایه اقبال تو نصیب و اشراف را ستانه والای تو مآب

گرچه بر خنگ همتش گیتی هست بی‌وزن تر ز پر ذباب

(انوری، ۱۳۷۲، ق ۱۴: ۳۲)

گویی در این ضبط، مصحح بر این باور است که «گیتی» بر پشت «خنگ همت» ممدوح سوار است و بسیار ناچیز به نظر می‌آید؛ اما با نگاه کردن به نسخه‌بدلها، ضبط‌های بهتری یافته می‌شود. نسخه‌بدل «بر خنگ» در چاپ مدرس رضوی، «در چنگ» از نسخه «ص» بوده که درست تر است و احتمال تبدیل «خنگ» و «چنگ» و «در» و «بر» به یکدیگر بسیار زیاد است. نفیسی نیز چنگ را بر خنگ ترجیح داده است (انوری، نفیسی، ۱۳۳۷: ۱۷)؛ البته وی «بر چنگ» نوشته است که دو نسخه به شماره‌های ۱۳۳۳۹ و ۵ مجلس همین ضبط را دارند؛ اما از نظر ما «در چنگ» بهتر است و ضبط نسخه ۲۳۸۳ نیز سخن ما را تأیید می‌کند. گیتی در چنگ همت ممدوح بودن به معنای این است که ممدوح، جهان را در تصرف دارد و درعین حال این گیتی به این گستردگی از پر ذباب هم برایش سبک‌تر است. به این ترتیب صورت درست بیت چنین خواهد بود:

گرچه در چنگ همتش گیتی هست بی‌وزن تر ز پر ذباب

عصاست پایم و در شرط آفرینش خلق - شنیده‌ای که کسی را به جای پای عصاست

(انوری، ۱۳۷۲، ق ۱۸: ۴۲)

مشخص نیست که چرا مصحح «شرط آفرینش» را برگزیده است؛ چراکه آفرینش از جانب حق شرط بردار نیست. نسخه‌های «ص» و «ق» از چاپ مدرس رضوی به جای «در شرط»، «در وضع» دارند که درست‌تر و منطقی‌تر می‌نماید. نفیسی نیز «وضع» را پسندیده است (انوری، نفیسی، ۱۳۳۷: ۲۷).

تو آن کسی که ز بهر ثنا و مدحت تو - به مادح تو بر از روزگار مدح و ثناست

(انوری، ۱۳۷۲، ق ۱۸: ۴۳)

با توجه به این انتخاب مدرس رضوی در مصرع دوم، تعقیدی به وجود می‌آید؛ چراکه قاعداً باید روزگار پر از مدح و ثنا باشد نه مدح و ثنا پر از روزگار! واضح است که «پر» باید «بر» باشد و دو حرف اضافه برای یک متمم در گذشته بسیار رایج بوده است؛ بنابراین «به مادح تو بر از روزگار مدح و ثناست»، درست است. برخی کاتبان نیز اشتباه مدرس رضوی را مرتکب شده‌اند و این مصرع را با «پر» ضبط کرده‌اند (نسخ ۲۳۸۵ و ۲۳۸۳). نفیسی نیز «بر» ضبط کرده است نه «پر» (انوری، نفیسی، ۱۳۳۷: ۲۸). البته ضبط نسخه ۹۸ سرود اساساً چنین مشکلی را رفع کرده است: «به مادحان تو از روزگار مدح و ثناست». برخی نسخ نیز «به مادحان بر» را دارند نظیر: ۲۳۸۲، ۸۶۶۴، ۱۳۵۰۳. تصحیح نهایی بیت از نظر ما با توجه به تمام نسخ بدین شکل است:

تو آن کسی که ز بهر ثنا و مدحت تو - به مادح تو بر از روزگار مدح و ثناست

نشیب و بالا یکسان شمارد از پی آنک - به کام او به جهان نه نشیب و نه بالاست

(انوری، ۱۳۷۲، ق ۱۸: ۴۴)

در مصرع دوم نیاز است «نه» اشباع و با مکث بیشتری خوانده شود، درحالی‌که با توجه به تلفظ کهن این واژه در چنین شرایطی نیازی بدین کار نیست. در نسخه «ت» و «م»، «نی نشیب و نی بالاست» آمده است که هم وزن آن درست است (مفاعلهن فعلاطن مفاعلهن فعلاطن) و هم آهنگ خوانش را زیباتر و کامل‌تر می‌کند و مشخص نیست چرا مدرس رضوی و نفیسی (انوری، نفیسی، ۱۳۳۷: ۲۸) این ضبط را در متن قرار نداده‌اند. نکته مهمتر اینکه به نظر می‌رسد «به کام» در حقیقت «به گام» باشد؛ چرا که در گام و پویه او نشیب و بالا معنا پیدا می‌کند. از آنجا که در گذشته حروف «کاف» و «گاف» یکسان کتابت می‌شدند هر دو مصحح آن را کام خوانده‌اند.

خیز از سعی دخان بین و ز تاثیر بخار - تا در این هر دو کنون چند رسوم عجب است

روزن این همه پر ذره زرین زره است - عرصه آن همه پر پشه سیمین سلب است

(انوری، ۱۳۷۲، ق ۲۰: ۴۹)

شاعر در وصف پاییز دخان و بخار را توصیف می‌کند و با لف و نشری مرتب، روزن دخان را پر از ذره‌های زرین آتش می‌بیند و عرصه بخار را پر از پشه سیمین سلب! اما چرا پشه؟ هم پشه استعاره زیبایی نیست و هم نسخه‌بدل بهتری وجود دارد، در نسخ «ک، م، د»، «عیبه سیمین» آمده است و «عیبه» به معنی جامه‌دان با «سلب» متناسب‌تر است؛ اما از نظر معنایی و تصویری چندان درست به نظر نمی‌آید که عرصه بخار پر از جامه‌دان‌ها و صندوقچه‌های سیمین‌پوش باشد. از نگاه دیگر چه بسا «عیبه»، «غیبه» به معنی پولک زره باشد و نقطه‌ای از سوی کاتبان ساقط شده باشد. در این صورت غیبه استعاره از شب‌نم‌های یخ‌بسته بوده و معنی درست‌تر و تصویر هم مناسب‌تر از عیبه و پشه است! شهیدی نیز در شرح دشواری‌ها «غیبه» را از نسخه «مینو» انتخاب کرده است با همین معنی و استعاره (شهیدی، ۱۳۶۴: ۱۵۲). متن تصحیح‌شده نفیسی نیز همچون متن مصحح مدرس رضوی است (انوری، نفیسی، ۱۳۳۷: ۳۱).

- چرخ چون گوز شکسته است از آن روی که چهره چون چهره بادام از آن پر ثقب است
(انوری، ۱۳۷۲، ق ۲۰: ۵۱)

شاعر در وصف چرخ می‌گوید: چرخ مانند گردوی شکسته‌ای است، چراکه چهره ماه، مانند چهره بادام است و از آن (روی) پر ثقب است. در چاپ مدرس رضوی نسخه «د» به جای «از آن»، «چنان» دارد که معنی بیت با آن درست‌تر به نظر می‌رسد. در لغت‌نامه دهخدا ذیل «ثقب» این بیت ثبت شده است و از نسخه‌ای که علامه استفاده کرده، به جای «از آن»، «جبین» آمده است که در این صورت باز هم معنی بهتر از ضبط مدرس رضوی است. نفیسی به جای از آن «ار آن» آورده که به هیچ وجه مناسب به نظر نمی‌رسد. در نسخ ۱۳۱۹۹، ۲۳۸۱ و ۲۳۸۳ «همی» و در نسخه ۵۸۴۵ «همه» نوشته شده است که به نظر می‌رسد شکل درست بیت همین باشد:

چرخ چون گوز شکسته است از آن روی که ماه چهره چون چهره بادام همه پر ثقب است

۵-۲. وجود ابهام در بیت‌های فاقد نسخه‌بدل و ارائه پیشنهادهایی برای رفع این ابهام‌ها

در دو چاپ موجود گاه دیده می‌شود که واژه‌هایی در برخی ابیات وجود دارند که در معنی ابهام ایجاد می‌کنند یا با فضای کلی بیت تناسب نداشته و نسخه‌بدلی هم ندارند. مصححان هم به سادگی از کنار این پیچیدگی‌ها گذشته و یا اصلاً متوجه این مشکل نشده‌اند که اگر اینگونه بود با گذاشتن علامت سؤالی به این موارد اشاره می‌کردند. در ادامه به بعضی از این بیتها می‌پردازیم و با کمک شواهد شعری از دیوان انوری و نیز شاعران دیگر پیشنهادهایی برای رفع ابهام ارائه می‌کنیم. در آخر با نسخ جدید مطابقت می‌دهیم تا تاییدی باشند بر پیشنهادهایمان.

- القصه بعد از آنکه پرسید مر مرا گفتم بگوی گفت من از گفته‌های خویش
آورده‌ام چو زاده طبع تو سحر ناب
(انوری، ۱۳۷۲، ق ۱۳: ۳۰)

شاعر در حال سرودن شعری است که دوستی صاحب ذوق و شاعر به دیدارش می‌آید، بعد از احوالپرسی‌های معمول آن دوست خطاب به انوری می‌گوید: «چه حاجت است بگویم صواب باشد». قطعاً مصرع دوم با این ضبط معنای محصلی ندارد و معنی مبهم است. نفیسی نیز با گذاشتن علائم نگارشی ضبطی چون ضبط مدرس رضوی دارد:

القصه بعد از آنکه پرسید مر مرا گفتم: چه حاجت است؟ بگویم، بود صواب

(انوری، نفیسی، ۱۳۳۷: ۲۰)

کاتب نسخه ۲۳۸۱ که به ابهام بیت پی برده است کلاً گوینده این بخش از سخن را تغییر داده است و از زبان انوری می‌گوید:

القصه بعد از آنکه پرسید مر مرا گفتم چه حاجتست بگو تو بود صواب
گفتم که چند بیت من از گفته‌های خویش آورده‌ام چو زاده طبع تو سحر ناب

(انوری، نفیسی، ۱۳۳۷: ۲۰)

با تغییراتی که کاتب ایجاد کرده پیچش و تعقید بیت از بین رفته است اما هیچ کدام از نسخه‌ها بدین شکل نیستند و احتمال اینکه کاتب از روی فهم و ذوق خود این تغییر را با این گستردگی ایجاد کرده باشد بسیار است که در این صورت کلام انوری نخواهد بود. پیشنهاد ما در خوانش بیت این است که به جای «چه»، «که» بگذاریم چراکه تبدیل این دو به یکدیگر بسیار امکان‌پذیر است و از سوی دیگر پیچش معنایی بیت هم به سادگی رفع می‌گردد. این پیشنهاد ما را ضبط نسخه ۲۰۰۶۲ تأیید می‌کند: «گفتا که حاجت است...» و شکل درست مصرع می‌تواند چنین باشد:

گفتا که حاجت است بگویم؟ بود صواب؟

- رفتی و با تو کمالی که جهان داشت ببرد گر جهان را پس از این ناقص خوانیم رواست

(انوری، ۱۳۷۲، ق ۱۹: ۴۷)

این قصیده در مرثیه سید مجدالدین ابی‌طالب نغمه است. در مصرع اول، شاعر می‌گوید تو رفتی و جهان که با وجود تو کمال داشت، کمالش را برد! نسخه ی نفیسی نیز همین است (انوری، نفیسی، ۱۳۳۷: ۳۰). اما مگر جهان رفته است و فاعل جهان است که با رفتن، کمالش را هم ببرد؟ به نظر ما به جای «ببرد» باید «برفت» باشد که در این صورت معنی چنین میشود که: با مردن و رفتن سید، کمال جهان هم به همراه او «رفت». نسخه «ک» هم «که جهان راست بوقت» ضبط کرده است و در بدل مذکور مشخص است که «بوقت» تصحیف «برفت» است. ضبط نسخه ۱۳۳۳۹ «برفت» است که نظر ما را تأیید می‌کند.

- بود الحق تاء چند دیگر از وجدان و لیک چون ممات و چون قنات و چون روات و چون عادات

گفتم آخر شایگان خوش به از وجدان بد فی‌المثل چون حادثاتی از ورای حادثات

(انوری، ۱۳۷۲، ق ۱۶: ۳۷)

واژه وجدان در دو بیت پیشین سبب ابهام بیت گردیده است. در شرح شهیدی «وجدان»، «وحدان» (شهیدی، ۱۳۶۴: ۱۳۵-۱۳۶) آمده است به معنی یکان یکان در مقابل شایگان که درست‌تر به نظر می‌آید و همو اشاره می‌کند که «در بعضی نسخ نسبت قدیمی وحدان بفتح واو، لیکن صحیح وحدان (با حاء) بضم اول است» (همان‌جا). علامه دهخدا نیز در توضیح وحدان آورده است «مقابل شایگان» و همین بیت انوری را شاهد آورده است. در نسخ متعددی به شمارگان ۵، ۱۳۱۹۹، ۱۳۳۳۹، ۲۳۸۴ و ۲۳۸۵ «وحدان» ثبت شده است. در چاپ نفیسی:

بود الحق تاء چند دیگر از وجدان بد چون وفات و چون ممات و چون قنات و چون عادات

گفتم: آخر شایگان خوش به از وجدان بد فی‌المثل چون حادثات، ای از ورای حادثات

(انوری، نفیسی، ۱۳۷۲: ۲۴)

که این اختلاف واژگان با توجه به منظور شاعر در مقصود و مفهوم تغییری ایجاد نمی‌کند.

- چین کله بر عقیق چینی تیر مژه بر کمان حاجب

(انوری، ۱۳۷۲، ق ۱۵: ۳۴) و (انوری، نفیسی، ۱۳۳۷: ۱۴)

«عقیق چینی» استعاره از پیشانی است و تصویر عقیق برای پیشانی وجهی ندارد، شاید در نسخه‌ای که رضوی و نفیسی از آن استفاده نکرده باشند، این مصرع ضبطی دیگر داشته باشد! عقیق چینی نیز اصلاً معروف نیست. در حدود العالم اصلاً عقیق جزء محصولات و اشیاء گرانبهای چین ثبت نشده است (ر.ک: حدود العالم، ۱۳۴۰: ۵۹-۶۳). همچنین پیشانی سرخ که به عقیق همانند شود، سابقه‌ای ندارد؛ پس وجه شباهت این دو چیست؟ شهیدی نیز به این نکته توجه کرده است «لیکن تا آنجا که جستجو کردم، عقیق به سه جا منسوب است: یمن، هند و روم (...). شاید انوری را در نسبت عقیق به چین خلطی دست داده است، یا تنها به خاطر رعایت صنعت جناس با چین است» (شهیدی، ۱۳۶۴: ۹۶). شاید بهتر باشد به جای تمرکز بر جزء دوم این ترکیب یعنی «چینی» به بخش نخستین آن و «عقیق» دقت کنیم. پیسنهاد ما «حریر» به جای عقیق است. حریر چینی بسیار معروف بوده و (برعکس عقیق چینی که در هیچ شعری جز همین شعر انوری نیامده) بارها از جمله در شاهنامه تکرار شده است:

بفرمود تا پیش او شد دبیر قلم خواست رومی و چینی حریر

(فردوسی، ۱۳۹۱، ج ۶: ۵۰۸)

و نیز ر.ک: (فردوسی، ۱۳۹۱، ج ۶: بیست و ۵۳۳) و (نظامی، ۱۳۸۹: ۳۹) و یا در این بیت از ناصرخسرو که عارض را به حریر چینی تشبیه کرده و کاملاً متناسب است با تصویری که انوری در بیت مذکور اراده کرده است:

وان عارض چون حریر چینی
گشته است به فام زرد و پرچین

(قبادیانی، ۱۳۷۸، ق ۱۷۶: ۳۸۵)

با بررسی تعدادی از نسخ موجود در کتابخانه مجلس به نظر می‌رسد گمان ما درست باشد. از میان نسخ بررسی شده تنها یک نسخه ضبط متفاوتی دارد. نسخه ۱۳۳۳۹ «چین کله پر عقیق چینی» دارد که در این صورت مشکل استعاری عقیق برای پیشانی رفع خواهد شد اما از یک سوی همچنان مشکل چینی بودن عقیق پابرجاست و از سوی دیگر، تقابل تصویری که بین اجزاء دو مصرع وجود دارد از بین خواهد رفت.

۵. نتیجه‌گیری

با بررسی هشت قصیده از قصاید انوری از دو چاپ در حال حاضر معتبر مدرس رضوی و نفیسی، اشکالاتی را در ۱۳ بیت یافتیم. در این پژوهش تلاش کردیم تا با توجه به فرهنگ شعری شاعر و نیز کمک گرفتن از اشعار شاعران دیگر، پیشنهادهایی برای رفع برخی ابهامات ارائه نماییم. همچنین برای این کار بیست نسخه از نسخ دیوان انوری را بررسی کردیم که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است و در دو چاپ در دسترس از آنها استفاده نشده است و هر جا ضبط متفاوت و اصح را نسبت به متن و نسخه‌بدل‌های دو چاپ یاد شده یافتیم، ذکر کردیم. مواردی را هم که هیچ‌یک از دو مصحح به آن اشاره نکرده‌اند؛ اما ابهام دارند و ما هم نتوانستیم پیشنهاد قطعی را برای رفع ابهام ارائه کنیم در پی نوشت متذکر شدیم.

پی‌نوشت

۱. گاه موارد مبهمی را از میان این قصاید یافته‌ایم که تا تمامی نسخ موجود بررسی نشوند، همچنان ابهامشان باقی خواهد ماند و ما هم با توجه به بررسی برخی نسخ و همچنین جستجوهای انجام شده نتوانستیم پیشنهادی برای حل آن ارائه دهیم. هیچ‌یک از دو مصحح به وجود این ابهامات (ولو با گذاشتن علامت سؤالی) اشاره‌ای ننموده‌اند! چنین مواردی نشان از آن دارند که پژوهشگران دیگر تعمق بیشتری بنمایند ای بسا که آنان قادر به تصحیح و رفع این ابهام‌ها باشند.

شاعر در وصف بیماری که داشته، آورده است:

- به دست حادثه بندی نهاد بر پیام
که همچو حادثه گاهی نهان و گه پیداست

سبک به صورت و چونان گران به قوت طبع
که پشت طاقتم از بار او همیشه دوتاست

نظر به حیلۀ ز اعضا جدا نمی‌کنش
کراست بند بر اعضا که آن‌هم از اعضاست

(انوری، ۱۳۷۲، ق ۱۸: ۴۲)

به جای «نظر» در نسخه «ع» «خرد» آمده است. با هر دوی این ضبط‌ها معنی همچنان مبهم است و نمی‌دانیم منظور شاعر از بیت مذکور چیست. هر چند به نظر می‌رسد خرد برتر باشد از نظر و شاید منظور شاعر این باشد خرد طیب برای درمان این بیماری با حیلۀ و چاره‌گری هم موفق نمی‌شود. چاپ نفیسی نیز همین ضبط را دارد (انوری، نفیسی، ۱۳۳۷: ۲۷). بررسی بیست نسخه مجلس هم راهگشای این مشکل نبود. با وجود چنین ابهامی، حتی استاد شهیدی هم در شرحشان، توجهی بدین مشکل ننموده و توضیحی درباره بیت مذکور ارائه نداده‌اند.

- وی دو قرن از کرمت برده جهان برگ و نوا
تو چه دانی که جهان بی تو چه بی برگ و نواست

(انوری، ۱۳۷۲، ق ۱۹: ۴۷)

در چاپ مدرس رضوی به جای «دو قرن از کرمت»، در نسخه بدل «م» «دو فرق از قدمت» آمده است که با هر دوی این عبارات، مشکل و ابهام بیت رفع نمی‌شود. چاپ نفیسی نیز این‌گونه است (انوری، نفیسی، ۱۳۳۷: ۳۰). نسخ بررسی شده از کتابخانه مجلس نیز همین دو صورت را داشتند و مشکل همچنان برجاست.

– ایا زمانه مثالی که امر و نهی ترا به روزگار بدارند و کار دست و دهاست

(انوری، ۱۳۷۲، ق ۱۸: ۴۳)

«کار دست و دها» در بیت چه معنایی دارد؟ با این ضبط بیت مبهم است. شاید بتوان پنداشت با توجه به امر و نهی، «کار بست و رهاست» درست باشد. تبدیل «بست» به «دست» و «دها» به «رها» بسیار امکان‌پذیر است. در چاپ نفیسی اصلاً چنین بیتی ثبت نشده است (انوری، نفیسی، ۱۳۳۷: ۲۸). و همچنین است بیست نسخه بررسی شده از کتابخانه مجلس که این قصیده در آنها موجود است. استاد شهیدی نیز توجهی بدین مشکل نکرده‌اند.

منابع

۱. انوری ابیوردی، (۱۳۷۲)، *دیوان انوری*، به کوشش محمدتقی مدرس رضوی، چاپ چهارم، تهران: علمی.
۲. _____، (۱۳۳۷)، *دیوان انوری*، به کوشش سعید نفیسی، چاپ اول، تهران: پیروز.
۳. بی نام، (۱۳۴۰)، *حدودالعالم من المشرق الی المغرب*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: دانشگاه تهران.
۴. خاقانی، افضل الدین، (۱۳۸۸)، *دیوان شعر*، به کوشش ضیاء الدین سجادی، چاپ نهم، تران: انتشارات زوار.
۵. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۳۷)، *لغت‌نامه دهخدا*، بی‌چاپ، تهران: دانشگاه تهران.
۶. شهیدی، جعفر، (۱۳۶۴)، *شرح لغات و مشکلات دیوان انوری*، چاپ دوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۹۱)، *شاهنامه*، جلد شش، به کوشش جلال خالقی مطلق و محمود امیدسالار، چاپ چهارم، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۸. قبادیانی، ناصر خسرو، (۱۳۷۸)، *دیوان*، چاپ سوم، تهران: نشر سیمای دانش.
۹. کرمی، محمدحسین؛ امینی، محمدرضا؛ کوثری، حمیدرضا، (۱۳۹۲) «قصاید انوری و لزوم تصحیحی تازه از آنها»، *مجله شعر پژوهی*، شماره ۴، صص ۱۳۵-۱۵۰.
۱۰. مسعود سعد سلمان، (۱۳۷۴)، *دیوان*، به اهتمام پرویز بابایی، مقدمه رشید یاسمی، چاپ اول، تهران: انتشارات نگاه.
۱۱. معزی، امیر ابو عبدالله محمد، (۱۳۱۸)، *دیوان معزی*، به کوشش عباس اقبال، بی‌چاپ، کتابفروشی اسلامییه.
۱۲. منصوری، مجید، (۱۳۹۵)، «تصحیح بیت‌هایی از دیوان انوری ابیوردی بر اساس دست‌نویس مورخ (۶۸۰ ه.ق)»، *متن‌شناسی ادب فارسی*، شماره ۳، صص ۱۰۹-۱۲۰.
۱۳. نظامی، الیاس بن یوسف، (۱۳۸۹)، *شرف‌نامه*، به تصحیح قادر فاضلی، چاپ اول، تهران: فضیلت علم.